



دکتر سید محمدرضا تقوی
استاد و هیئت علمی دانشگاه شیراز

چالش ها، موانع و راهکارهای تحول در روانشناسی

WWW.FATEHAN.NET

اسلام سنگر های کلیدی جهان را فتح خواهد کرد.

WWW.FATEHAN.NET

fatehan__net

@fatehan.net

@fatehan

مصاحبه

با حضور:

دکتر سید محمدرضا تقوی
استاد و هیئت علمی دانشگاه شیراز

با موضوع:

چالش ها، موانع و راهکارهای تحول در روانشناسی

نخبگان علوم انسانی و آنان که دایعه دار در بحث تحول علوم انسانی هستند، هر کدام از نظر های متفاوتی به مسئله ی علوم انسانی نگاه می کنند. عده ای در مبانی تحول صاحب نظر هستند و عده ای به پژوهش های موردی اشاره می کنند. محقق ارجمند؛ جناب آقای دکتر تقوی استاد تمام بخش بالینی دانشگاه شیراز (دکتری روانشناسی بالینی از دانشگاه لندن) است. دغدغه ی او در این سالیان دو ابر پروژه یکی روشنمندی و نظام واره ی علوم دینی و دیگری تولید مفاهیم پایه در بحث تحول علوم انسانی بوده است. در این گفت و گوی صریح دکتر تقوی به نکات بسیار قابل استفاده ای که حاصل سال ها مجاهدت ایشان در مسیر تحول علم بوده است، اشاره می کند.



دکتر سید محمدرضا تقوی
استاد و هیئت علمی دانشگاه شیراز

چالش ها، موانع و راهکارهای تحول در روانشناسی

فتح: دکتر تقوی همان طور که می دانیم دانش روان شناسی از غرب وارد ایران شده است و ماهیت غربی دارد، و امروزه در دانشگاه تدریس می شود. به نظر شما آیا برای کاهش مشکلات جامعه به صورت ویژه مفید هست؟ آیا نیاز به چکش کاری دارد؟

دکتر تقوی: پاسخ به این سوال مقداری حساس هست یعنی اگر بگوییم این دانش مفید نیست تبعاتی دارد و اگر بگوییم مفید هست هم تبعاتی دارد. مقداری نیازمند به بحث، بسط، و توضیح است که ما راست و غلط را از هم تشخیص دهیم. روان شناسی دانشی است که ما در شکل گیری آن نقش زیادی نداشتیم! ما حامل دانشی هستیم که در فرهنگ دیگری متناسب با نیازهای آن جامعه، اهداف، مبانی، و نگاهی که به انسان دارند تولید شده است؛ ویژگی دانش روان شناسی توجه زیاد به پدیده های مشهود، عینی، ملموس است در حالی که به پدیده های عالم غیب توجهی ندارد، تقریباً یا قطعاً بنابراین در بعضی زمینه ها که می تواند مفید باشد به دستاوردی می رسد، در عین حال در بعضی زمینه ها بدون در نظر گرفتن ارتباط با پدیده های غیب مطرح می شود که موجب ضرر است. ما با دانشی روبرو هستیم که نمی توانیم یک حکم کلی در مورد آن صادر کنیم، بلکه به صورت یک طیف باید در نظر بگیریم. در واقع در مواقعی به خصوص تکنیکال که خیلی مفید است، و در بعضی مواقع که مفهومی با حقایق و مبانی انسان شناسی ارتباط پیدا می کند، می تواند مضر باشد! از منظر دیگر در کوتاه مدت می تواند منافی داشته باشد، اما در دراز مدت مشکلاتی به همراه دارد. ما نیازمند یک سنگ محک هستیم تا بتوانیم در آن چارچوب بخش مفید و مضر را تشخیص بدهیم. هر چند ورود به این ارزیابی را توصیه



دکتر سید محمدرضا تقوی
استاد و هیئت علمی دانشگاه شیراز

چالش‌ها، موانع و راهکارهای تحول در روانشناسی

نمی‌کنم، زیرا تا زمانی که دیدگاه ایجابی خود را شکل ندهیم و ملاک صحت خود را تعریف نکنیم که چه چیزی درست و غلط است. شاید دقیق هم نتوانیم اظهار نظر کنیم یا ارزیابی دانش روان‌شناسی را تعجیل کنیم. این موارد واقعیت‌هایی هستند که نباید نادیده گرفت و به نظر می‌رسد به زمانی که ما دیدگاه ایجابی خودمان را داشته باشیم، موکول شود، بهتر است!

فتح: در مورد دستیابی به دانش ایجابی نظرات متفاوتی در جامعه مطرح شده و می‌شود. در حوزه روان‌شناسی دینی یا روان‌شناسی اسلامی، عده‌ای قائل به این هستند که ما باید یک علمی ایرانی اسلامی داشته باشیم؛ عده‌ای دیگر قائل به تهذیب دانش روان‌شناسی غربی هستند. مثل ساختمانی که درب و پنجره‌های آن با فرهنگ صاحب خانه تضاد دارد و سعی در عوض کردن آن‌ها دارد؛ و عده‌ای قائل به این هستند که باید طرحی نو در عالم و تعریف روان‌شناسی در انداخت. به نظر شما کدام یک می‌تواند استحکام لازم را جهت سریع‌تر به سرمنزل مقصود رسیدن داشته باشد؟

دکتر تقوی: ما یک سری نیازهای ضروری داریم که نمی‌توان نادیده گرفت، یعنی در واقع نمی‌توانیم جامعه یا دانش را تعطیل کنیم تا دیدگاه ایجابی خود را شکل دهیم که ممکن است ۲۰ یا ۵۰ سال زمان بر باشد، و قطعاً یک مرحله گذار داریم که نمی‌شود زمان آن را تعیین کنیم ۱۰ یا ۲۰ یا ۵۰ سال که در این مرحله دانش روان‌شناسی موجود در بخش‌های عمده می‌تواند به ما کمک کند. اما این مرحله گذار نباید رهنز شده و ما را مجاب کند که وقتی به دانشی رسیدیم دست از تلاش برداریم. در واقع تلاش اصلی ما باید روی دیدگاه تأسیسی باشد، البته



دکتر سید محمدرضا تقوی
استاد و هیئت علمی دانشگاه شیراز

چالش ها، موانع و راهکارهای تحول در روانشناسی

دیدگاه تهذیبی هم حقیقتاً گاهی زحمات بیشتری از بنا کردن دیدگاه تأسیسی می تواند داشته باشد. اما مفهوم دیدگاه تأسیسی نباید ما را به اشتباه بیندازد که یعنی می خواهیم چشم و گوش را روی دانش موجود ببندیم و از صفر شروع کنیم؛ ما در خیلی از موارد مانند نوع حضور و ورود آن ها به نوع مسئله، مسئله و موضوع شناختی، حتی روش های تحقیق از جمله؛ مصاحبه، پرسشنامه، روش های کمی، کیفی، و ترکیبی، این تجارب را می توانیم استفاده کنیم. در عین حال که از دانش غربی استفاده می کنیم بایستی مراقب خاستگاه هایی که این دانش را شکل داده، اینکه در چه فضای تاریخی، جغرافیایی با چه نیازهایی بوجود آمده، منشا و خاستگاه چه بوده و ما را در دراز مدت به کجا خواهد برد، باشیم. حتی در میان مدت و دراز مدت هم با خاستگاه دانش روان شناسی آگاه باشیم تا کمترین صدمه به ما وارد شود، در عین حال نادیده گرفتن و انکار این دانش هم به ما یک جور دیگری صدمه خواهد زد! بنابراین نیازمند حرکتی دقیق از جانب محققین و روانشناسان ما است. از این جنبه که وقت بگذارند، مباحثه کنند، مرزبندی ها را مشخص کنند که در نهایت هدف آن کار تأسیسی است.

فتح: دکتر تقوی آیا شما چارچوبی برای روان شناسی تأسیسی دارید؟

دکتر تقوی: چارچوب نیازمند توافقی بین روان شناسان مختلف است که هر کدام نقشه راه های متعددی در ذهن دارند که تا وقتی به یک ادراکات یکسان نرسیم، نمی تواند مثمرتر باشد. ما نیازمند تعامل هستیم تا روی نقشه راه به توافق برسیم. یعنی اگر چیزی از حالت فردی خارج و در جامعه تاثیرگذار باشد، باید تبدیل به فرهنگ شود. ما فرهنگ را ادراکات به توافق رسیده



دکتر سید محمدرضا تقوی
استاد و هیئت علمی دانشگاه شیراز

چالش‌ها، موانع و راهکارهای تحول در روانشناسی

جمع می‌دانیم، یعنی جمعی متخصص از روانشناسان روی مسیر و نقشه راه به توافق برسند. در واقع ارگانی باید سرپرستی را برعهده بگیرند، افراد را جمع کنند، و گاهی با دستور جلسات مشخص جلسه داشته باشند و برویم به سمتی که به توافق برسیم. رسیدن به توافق یعنی نظر هیچ کدام به صورت مطلق انجام نمی‌شود، بنابراین تعامل نظرات را داریم. ممکن است تعامل نظرات ضعیف‌تر از بخشی از نظرات باشد ولی این نظرات در فرهنگ کار نمی‌کند، چون در یک مجموعه کار می‌کنیم باید بتوان مجموعه را متقاعد کرد. پس آن فرهنگ را تعریف می‌کنیم، ادراکات به توافق رسیده جمع ارزش دارد گرچه ممکن است کسی بتواند ثابت کند که دیدگاه ثابت‌تری هم دارد ما باید بدنبال محور اصلی باشیم تا در طول زمان محور را تعدیل و تصحیح کنیم در غیر این صورت آن حرکات فردی و جزیره‌ای به نتیجه نمی‌رسد.

فتح: چالش اصلی و عمده‌ای که روان‌شناسی را در مسیر تحول دچار مشکل می‌کند، چیست؟

دکتر تقوی: چالش اصلی و عمده، باوری هست که روان‌شناسان نسبت به روان‌شناسی رایج دارند، به نظر می‌رسد جامعه روان‌شناسی در کشور (شاید صحیح نباشد من بگویم) تحلیلی دقیق از نکات مثبت و منفی ندارند. شاید بیشتر به این دلیل است که فرصت تأملی شدن را ندارند یا جامعه این فرصت را به آن‌ها نداده است. دانشگاه یا وزارتخانه باید فرصتی برای تأمل در نظر می‌گرفت تا بتوانند یک نقد منصفانه نسبت به دانش موجود داشته باشند، تا بتوانند متوجه برخورد دانش روان‌شناسی با دیدگاه‌های اعتقادی ما شوند و به یک شناسایی برسند. تلاش ترویجی، یعنی ما در بخش ترویجی باید به یک جمع‌بندی برسیم که به یک نقد، تحلیل



دکتر سید محمدرضا تقوی
استاد و هیئت علمی دانشگاه شیراز

چالش ها، موانع و راهکارهای تحول در روانشناسی

دقیق روانشناسی موجود برسیم، اما این بخش کافی نیست و قسمتی از کار است. بعد از تحلیل نقطه ضعف به یک دیدگاه ایجابی برسیم. یا به یک دیدگاه پژوهشی برسیم که این دیدگاه نیازمند افراد دغدغه‌مندی در سطح کشور است که در جلساتی روش ایجابی را شکل دهند.

فتح: در مورد نوع تعامل در بزرگترین چالش موجود در جامعه روان‌شناسی اشاره کردید. نوع مواجهه باید براساس مبانی فرهنگی و اعتقادی خودمان باشد یا براساس اشکالاتی که خود غربی‌ها هم به روان‌شناسی مدرن گرفته‌اند؟

دکتر تقوی: اگر بخواهیم مبنا را اشکالات روان‌شناسان غربی در نظر بگیریم، باز هم ما در زمین آن‌ها بازی می‌کنیم یعنی اصول و مبانی آن‌ها را پذیرفته‌ایم و به‌عنوان یک مصلح مثل خودشان می‌خواهیم برگردیم و اشکالات را درست کنیم، در بعضی بخش‌ها ممکن است این اتفاق بیفتد ولی، بایستی نسبت این روش با مبانی و باورهای خود بتوانیم استخراج کنیم و اگر می‌خواهیم کاری انجام دهیم بایستی متناسب با این هماهنگی و باورهای زیربنایی خودمان باشد. البته بعضی تصورشان این است که علوم انسانی اسلامی را بایستی از متن استخراج کنیم (قرآن، سیره، ادعیه، سنت پیامبر اسلام، و چهارده معصوم) که خیلی مهم است، و جایگاه کلی دارد و همیشه راهنمای ما خواهد بود. نه تنها در ورود به روان‌شناسی اسلامی ما به متن نیازمند هستیم بلکه در طول مسیر هم ما دائم برای ارزیابی به این متن احتیاج داریم. اما این تصور که ما باید علوم انسانی را فقط از متن دریاوریم، من شخصا خیلی بر این باور نیستم. اعتقاد دین این است که خداوند متعال سه منبع و منشا را برای دستیابی به علوم در اختیار



دکتر سید محمدرضا تقوی
استاد و هیئت علمی دانشگاه شیراز

چالش‌ها، موانع و راهکارهای تحول در روانشناسی

بشر گذاشته است، یک عالم تدوین یا تشریح که همان متن ذکر شده است؛ دیگری عالم تکوین است که باید بگردیم و به واقعیت‌ها نگاه کنیم که نقش عقل خیلی پررنگ می‌شود (عقل متعبد نه عقل خودبنیان)؛ و یک منبع دیگر معرفت نفس است یعنی ما با سه منبع و تعامل آن‌ها باید روان‌شناسی را ایجاد کنیم که به نتایج میمون و مبارک برسیم.

فتح: در مورد بحث مباحث تکوینی و تشریحی مباحث زیادی مطرح شده است اما در مورد معرفت نفس چگونه می‌تواند در تولید علم به ما کمک کند بیشتر توضیح دهید؟

اسلام روی معرفت تفرضی تاکید دارد، یعنی اگر ما موجودات را به نبات، گیاه، انسان تقسیم بندی کنیم، مشخص است که انسان گل سرسبد هستی است، در مطالعه انسان می‌شود جنبه زیستی، رفتاری و غیره را در نظر گرفت ولی در واقع براساس باور ما معرفت نفس را انفع معارف گفته‌اند، یعنی اگر انسان که گل سرسبد هستی است، اگر مطالعات را در پیش گیریم می‌تواند جزء نافع‌ترین‌ها باشد، پس ما از این معرفت نفس غافل می‌شویم. به نظرم آنجایی که خداوند می‌فرماید: ما کل اسما را به انسان آموختیم در واقع افکار تمام این دو در درون انسان وجود دارد، ولی این انسان دسترسی به آن ندارد و نیازمند سرنخ‌هایی هست. کدهایی که بتواند به چنین دانشی دسترسی پیدا کند، یعنی منبع دانش فقط منبع عالم بیرون و کمال تکوین نیست، اگر بیشتر مطالعه کنید متوجه می‌شوید در درون این اتفاق می‌تواند بیفتد، و انسان به این جوشش درونی برسد که دانش از درون جوشش کند و فرد را به آگاهی برساند. آن بخشی از دانش که اثر را می‌گذاریم علم حصولی آن بخش است، که ما از تعامل ظرفیت‌هایی مثل



دکتر سید محمدرضا تقوی
استاد و هیئت علمی دانشگاه شیراز

چالش ها، موانع و راهکارهای تحول در روانشناسی

حس و عقل فرد با عالم بیرون بدست می‌آوریم. اما بخش عمده علوم انسانی اسلامی به دانش حصولی بر نمی‌گردد و به دانش حضوری بر می‌گردد. یا به دانش شهودی، دانش ذوقی بر می‌گردد که روی این قسمت ما خیلی مانور نداریم. ولی انسان‌هایی که در این زمینه جوشش درونی دارند یا در خود ایجاد کردند در واقع به روش‌های بسیار عظیمی رسیدند که ما نباید این را نادیده بگیریم.

فتح: جایگاه تجربه در این تقسیم‌بندی کجا قرار می‌گیرد؟

دکتر تقوی: همه چیزهایی که ما می‌گوییم نهادی در درون انسان هست. آنجایی که خداوند متعال می‌فرماید: کل اسما را به انسان آموختیم. از حد دانش‌های نظری خوب ادراک نمی‌شود جزء اینکه ما با عالم بیرون تعامل کنیم، یعنی فرض کنید ظرفیت سخن‌وری و زبان‌آموزی را خداوند در درون ما آفریده است، این باور نمی‌شود مگر اینکه در عالم بیرون صحبت کنیم و تعامل برقرار کنیم، و این چیزی است که در درون ما فعال ولی در حیوانات نیست، و حتی اگر تعامل هم بکند فعال نمی‌شود. به همین ترتیب بسیاری از دانش‌های بشری فطری و درونی در مقابله با واقعیت می‌توانند عملیاتی بشوند. اینکه فرض کنید ما می‌فهمیم که کل بزرگ‌تر از جزء است در عین حال اگر با عالم بیرون تعامل نداشته باشد این را متوجه نمی‌شود. ما نیازمند آن هستیم آن چیزهایی که در درون ما هست و متوجه می‌شویم در مقابله با عالم بیرون تجلی پیدا می‌کند پس ما می‌توانیم بی‌نیاز از تجربه باشیم حتماً بایستی تجربه کنیم.



دکتر سید محمدرضا تقوی
استاد و هیئت علمی دانشگاه شیراز

چالش ها، موانع و راهکارهای تحول در روانشناسی

فتح: بحث روان‌شناسی دینی که تاکنون تولید شده از پرسشنامه‌ها و پروتکل‌های درمانیست به نظرتان در کاربست و اتاق درمان چه جایگاهی می‌تواند داشته باشد؟

دکتر تقوی: به میزانی که ما اشراف پیدا می‌کنیم و نسبت به دانش تجربی آگاه می‌شویم طبیعتاً می‌توانیم آن‌ها را در میان عمل هم بکار بگیریم منتها یک بحث اساسی‌تر وجود دارد، و آن این است که بسیاری از روش‌های که ما الان به‌عنوان روان‌شناسی اسلامی بدست آوردیم با همان نقد ایدئولوژی غربی بدست آید. **یک بحث کلیدی اینجا وجود دارد که آیا روان‌شناسی یا علوم انسانی در واقع جایگاه متولوژیکیش چی هست، بدون روش‌شناسی نمی‌توانید به عالم ورود کنید و روشی را تولید کنید.** اگر ما باورمان این باشد که همین روش‌ها وجود دارد، خروجی می‌شود همین که الان وجود دارد منتها ما باید به این سوال پاسخ بدهیم اگر ما در مبانی انسان‌شناسی با نظام سکولار تفاوت‌های کلیدی و بنیادی داریم. یعنی نوع نگاه ما به انسان که من وارد جزئیات و مولفه‌ها و گذاره‌ها نمی‌شوم، اگر نگاه ما به انسان با نگاه روان‌شناسی رایج تفاوت کلیدی در مبدا دارد، و اگر در غایت ما دنبال انسانی هستیم با یک ویژگی‌هایی که خیلی متفاوت با دانش موجود یعنی در مبدا و در نقطه انتها با هم خیلی متفاوت هستیم. **روش‌شناسی** روشی است که مارا از این مبدا به آن مقصد و جهت می‌رساند، پس اساساً ماهیتاً بایستی روش‌شناسی متفاوت یا نسبتاً متفاوتی داشته باشیم، پس ما نمیتوانیم از یک مسیر یکسانی صحبت کنیم بنابراین حالا بایستی ببینیم این روش‌شناسی چه هست، اینجا این سوال درست است و بحث از جزئیات نیست که از روش‌های دانش موجود استفاده کنیم. ما بایستی



دکتر سید محمدرضا تقوی
استاد و هیئت علمی دانشگاه شیراز

چالش ها، موانع و راهکارهای تحول در روانشناسی

جایگزین روش شناسی موجود را آنالیز کنیم، متوجه می شویم می تواند روش شناسی ما چون در مبدا و نهایت مقصد متفاوت هستیم نمی تواند خیلی شبیه روش شناسی موجود باشد پس بایستی دنبال یک چیز دیگری بگردیم که در واقع با آن متفاوت است. حالا اینجا چند پیشنهاد بنظرم می رسد: روش های موجود مثل این هست که یک انسان غربی دارد به پدیده ها نگاه میکند و قوانین آنها را استخراج می کند متناسب با خواسته ها، اهداف، خواهش تاثیر و قاعده را کشف کند که قاعده غلط نیست، تکرار پذیر و بقیه می توانند ببینند ولی معلوم نیست که این آن چیزی باشد که دین می خواهد چون با نگاه دینی که نگاه نمیکند، خب از یک طرف ما وقتی متوجه می شویم خداوند متعال از آفرینش موجودات و هر انسان هدفی داشته است، شاید مستندش آیه ۳۰ سوره بقره است که ملائکه می گویند که ما عبادت می کنیم پس چرا این انسان خونریز باید بیاید، خداوند میفرماید: من چیزی می دانم که شما نمیدانید، خب مسلم است که از خداوند متعال کار غیر حکیمانه سر نمیزند، پس انسان را برای منظور و مقصودی آفریده و در واقع شاید یکی از تفاوت های عمده دانش علوم انسانی اسلامی، با دانش رایج این است که در علوم انسانی رایج محقق از عقل و بینش استفاده میکند که قاعده را دیر کشف میکند و شاید بتوانیم بگوییم در علوم انسانی اسلامی، محقق قبل از اینکه قاعده را کشف کند ارتباط پیدا می کند که این مقصود الهی چه بوده است، یعنی ادراک می کند که هدف چه بوده و بعد از این استعداد و قابلیت هایش را که متدین باشد در ازای این اهداف مصرف می کند و قاعده ای به دست می آید که کمک می کند انسان به آن اهداف خداوند برسد، پس آن دسته موثر تولید می شود که هر چه دانشی است و حاجت تکرار پذیری تعمیم پذیری



دکتر سید محمدرضا تقوی
استاد و هیئت علمی دانشگاه شیراز

چالش ها، موانع و راهکارهای تحول در روانشناسی

داشته ولی خیر هست و جبر را هم به دنبال ندارد. درسته که خداوند طرح و نقشه هایی دارد اما انسان میتواند تبعیت کند از این نقشه یا تبعیت نکند. ما می گویم انسان های متدین انسان های هستند که این نقشه را می شناسند و تبعیت می کنند و با ظرفیت های خود برای کشف قوانین مصروف می کنند که الهی را نیز می برد، بنابراین ما بایستی در روش شناسی جایگزین دیگری داشته باشیم، من روش جایگزین پیشنهاد میکنم که به اجمال وارد بحث نمیشوم چون خیلی طولانی است.

بحث اول: پیشنهاد علوم طباطبایی است رساله اعتباریات، ایشان در واقع علوم را دو دسته کردند؛ علوم حقیقی و علوم اعتباری، اعتباریات علوم حقیقی از هست ها صحبت می کند جایکه ما داریم مبانی هستی شناسی و انسان شناسی را می گیریم، اینها حقایق هستند جائیکه ما از غایت ها صحبت می کنیم که این انسان قرار است به کجا برسد، آنجا حقایق هستند جائیکه ما از غایت ها صحبت می کنیم که این انسان قرار است به کجا برسد، آنجا بر حقایق هستند تنها بین این مبادی و رسیدن به آن، عقل انسان به مفهوم وسیعی که حضرت آیت الله آملی بکار می برند: (عقل تجربی، تجریدی، و نیمه تجریدی و شهودی). بنابراین عقل انسانی مفاهیمی را اعتبار می کند که این را به غایتش برساند و وقتی که این مفاهیم را اعتبار می کند بایستی مستند به آن حقایق باشد یعنی هرچیزی را نمی تواند اعتبار کند و حضرت آیت الله طباطبایی مقدار آن را نشان داده اند که چگونه می توانیم از آن حقایق به اعتباریات برسیم، یک سیری بجای آن متدولوژی غربی به سیر اینکه نیازمند پیدا کردن روش شناسی جزئی تر تحقیق بیشتر



دکتر سید محمدرضا تقوی
استاد و هیئت علمی دانشگاه شیراز

چالش‌ها، موانع و راهکارهای تحول در روانشناسی

بایستی روی این کار کنیم، بنابراین در یک مقاله جناب علامه نشان میدهند که ما چگونه از این حقایق و هست‌ها اعتباریات را بسازیم، و در مقاله دیگر نشان میدهند که چگونه خود این اعتباریات ما را به حقایق می‌رسانند یعنی هدفی که در واقع بوده و این یک مسیر هست.

مسیر دوم که عرض میکنم این هست که ما به جای بحث متدولوژی که یک انسانی هست در متدولوژی رایج و نگاه می‌کند به پدیده‌ها و قاعده کشف می‌کند. این از عقلانیتش استفاده می‌کند منتها این عقل نیز خود بنیاد است و خاصیتش این هست که منتهی به انباشت دانشی میشود و در واقع منتهی محقق به تمام وجود درگیر حل مسئله نمی‌شود یعنی زندگی اجتماعی، فردی، خانوادگی و علمی یه چیز دیگر است، منتها در آن مسیر دوم که من پیشنهاد میکنم اسمش را میگذارم حکمت عملی که باید برویم و قاعده مندی‌های که می‌تواند ما را در خدمت اهداف الهی که ما را آفریده بدست آوریم ولی از جزئیاتش نپرسید که چطوری میتواند اتفاق بیفتد، ان‌شالله برویم جلوتر یک شاه کلید جدی برای جایگزین این روش‌شناسی معاصر، حکمت عملی است.

فتح: پیشنهادهایی که برای رسیدن به مباحث روانشناسی اسلامی و بطور کلی تر علوم انسانی اسلامی، شامل چه مواردی هست؟ و در واقع دسته بندی تر اشاره می‌کنید؟

جواب: بیشتر نیاز جدی مطالبه جامعه علمی است، این مطالبه باید وجود داشته باشد، که این مطالبه اکنون جدی نیست، در این مطالبه مسئله این هستند که اساتید دانشگاه بیشتر تعامل میکنند، اگر قرار است اتفاقی بیفتد بدون گذاشتن انرژی و وقت اتفاق نمی‌افتد، من فکر میکنم



دکتر سید محمدرضا تقوی
استاد و هیئت علمی دانشگاه شیراز

چالش ها، موانع و راهکارهای تحول در روانشناسی

که اگر این مطالبه توسعه پیدا کند، و ما هم کم اساتید نداریم علاقمند یا دانشجویان علاقمند که آنها را بتوانیم به حرف بگیریم و آنها شروع کنند و مفاهیم را شکل دهند، پس پیش نیازهای این مطالبه آگاهی شدن نسبت به این طراحی و برنامه ریزی برای رفتن به سمت این مسئله که عرض کردم هست، یعنی یک نقد منصفانه نسبت به این دانش و پیدا کردن روش های ایجابی به درون روانشناسی معاصر است.

فتح: راهکارهایی که بنظرتون لازم تا این افزایش پیدا کند که این هماهنگی شخصیت های علمی، حقوقی، راهکارهای عملی تری چه پیشنهاد میکنید؟

جواب: من برداشتم این هست به مقداری که در دانشگاه های ما این خودآگاهی که انتظار داریم در حوزه ها بیشتر باشد ولی با کمال عذرخواهی در حوزه ها هم این خوب است ولی باید به اندازه ی توسعه پیدا کند، ما بایستی هم اساتید حوزوی و هم اساتید دانشگاهی قدر و ارزش هم را بدانند و هم بدانند که در چنین بخش هایی میتوانند کمک کنند، قطعا تلاش های جداگانه نتنها به نتیجه نمیرسد و باید دوباره در یک مقطعی برگردیم و این تعامل را ایجاد کنیم، پس چه بهتر که ما از همین الان بتوانیم تعریف های عملیاتی کنیم و نسبت های ارتباط را مشخص کنیم و ان شاءالله توانست زمینه پیش ببریم ، هم لازم است دانشگاه ها و حوزه ها به این مسئله پردازند. من همیشه این راهکار به ذهنم میرسد، خب شما میبینید که کشاورز ما دانشجو میگیریم و هر ساله وقت اساتید را مصروف می کنیم، اینها خیلی هاشون بیکار هستند و خیلی هاشون فارغ التحصیل با کیفیتی نیستند، چه اشکالی دارد که ما از اساتید



دکتر سید محمدرضا تقوی
استاد و هیئت علمی دانشگاه شیراز

چالش ها، موانع و راهکارهای تحول در روانشناسی

دانشگاهی که علاقمند هستند به مباحث دینی پردازند. این از وقتشون را تعریف کنیم که این مباحث پردازند، الان هم اساتید چهل ساعت به امور روزمره می گذارند، اما پس کی قرار است این درست شود، بنابراین میشود به عنوان گذاشتن وقت نه بصورت اجبار برای اساتید که خودشون علاقمند هستند، بنابراین میشود یک کارهای انجام داد و این نیازمند ان شالله توجه بیشتر مسئولین است من همچنین معتقد به این هستم که گاهی مسئولین جامعه نیازمند به آموزش هایی هستن اشکالی ندارد که کسی که وزیر علوم میشود، معاون وزیر میشود، اینها بیایند در یک کارگاه هایی با علوم انسانی اسلامی آشنا بشوند چون تاثیر دارد، اگر یک معاون وزیر هوشیار باشد و نسبت به بحث علوم انسانی اسلامی میتواند جهت دهی و هدایت کند و دانشگاه ها رود و خیلی اتفاقات میتواند بیفتد، امیدواریم که این اتفاق بیفتد.

فتح: سوال و نکته آخر: اگر نکته یا پیشنهادی برای دانشجویانی که در روانشناسی اسلامی در حوزه علوم انسانی اسلامی و در حوزه تمدن سازی اسلامی دغدغه دارند و فعالیت میکنند، اگر پیشنهادی دارید بفرمایید:

جواب: خیلی خوب است که دانشجویان علاقمند خودشان را حفظ کنند و آشنایشان نسبت به جریاناتی که در کشور وجود دارد و دیدگاه های مختلفی که نسبت به بحث علوم انسانی اسلامی هست هشیار و بیشتر این را فراگیرند و قدرت فقه پیدا کنند و ان شالله بقیه مسیر را بر خود ره بگویند تا که چون باید رفت ، میتوانند آهسته آهسته ان شالله پیدا کنند.